

ابعاد سیاسی روابط دولت طالبان و هند

(ترجمه)

امیرخان متقی، وزیر امور خارجه طالبان، روز ۸ ژانویه در امارات متحده عربی با ویکرام میسری، معاون وزیر امور خارجه هند دیدار کرد. دو طرف از توافقات جدیدی برای تقویت روابط سیاسی و تجاری میان دو کشور خبر دادند. در این دیدار، بر نقش هند در پروژه‌های توسعه‌ای افغانستان، ارائه «کمک‌های بشردوستانه» و تسهیل صدور ویزا برای شهروندان افغان تأکید شد. همچنین، متقی خاطرنشان کرد که دولت طالبان به دنبال برقراری روابط مثبت با تمامی کشورهاست، با تمرکز بر رشد اقتصادی و ایجاد توازن در روابط بین‌المللی.

هم‌زمان با این تحولات، تنش‌ها میان افغانستان و پاکستان شدت گرفته است. نیروهای پاکستانی حملاتی را بر مناطق مرزی افغانستان انجام داده‌اند و روند اخراج پناجویان افغان را تشدید کرده‌اند. در مقابل، دولت طالبان نیز مواضع نظامی پاکستان را در آن‌سوی خط دیورند هدف قرار داده است.

از زمان بازگشت طالبان بر قدرت، هند سفارت خود را در کابل تعطیل کرد؛ اما از سال ۲۰۲۲، یک هیئت فنی کوچک را در داخل سفارت حفظ کرد تا اوضاع را زیر نظر داشته باشد. در نوامبر ۲۰۲۴، جی. بی. سینگ، معاون وزیر امور خارجه هند در امور پاکستان، افغانستان و ایران، به کابل سفر کرد و با مقامات دولت طالبان دیدار داشت. در این دیدار، وی موافقت کرد که مسئولیت خدمات کنسولی افغانستان در بمبئی به دولت طالبان واگذار شود.

در سال‌های اخیر، هند برخی از متحدان منطقه‌ای خود، از جمله افغانستان، بنگلادیش، مالدیو و میانمار را از دست داده است، درحالی‌که روابطش با نیپال و سریلانکا نیز دچار تنش شده است. از سوی دیگر، نفوذ چین در افغانستان، پاکستان و ایران افزایش یافته که این مسئله نگرانی‌های هند را درباره کاهش قدرت منطقه‌ای اش تشدید کرده است. در واکنش به این وضعیت، دهلی‌نو با حمایت آمریکا تلاش دارد به‌جای انزوای سیاسی، نقش فعال‌تری در افغانستان ایفا کند.

در ابتدای روی کار آمدن طالبان، هند این گروه را وابسته به پاکستان توصیف می‌کرد و آن را همراه با چین و پاکستان تحت عنوان محور شرارت قرار داده بود؛ اما این موضع‌گیری با گذشت زمان و افزایش تعامل هند با طالبان به تدریج تغییر کرد. آمریکا نیز روابط هند و طالبان را بخشی از استراتژی خود برای مهار نفوذ چین و تقویت جایگاه هند در منطقه می‌داند.

هند به این نتیجه رسیده که می‌تواند روابط خود را با دولت طالبان بهبود بخشد، به ویژه در شرایط تنش فزاینده میان هند و پاکستان. هند در پی تحقق این هدف، از طریق ارائه «کمک‌های بشردوستانه»، تکمیل پروژه‌های توسعه‌ای ناتمام در افغانستان و استفاده از بندر چابهار به عنوان جایگزینی برای بنادر کراچی و جوادر تلاش می‌کند. همچنین، هند در پی تسهیل صادرات محصولات کشاورزی افغان است که به دلیل بسته شدن بنادر پاکستان در معرض فساد قرار گرفته‌اند. این اقدامات نقش هند را به عنوان یک طرف تأثیرگذار در اقتصاد افغانستان تقویت می‌کند. این گام‌ها فرصتی برای هند فراهم می‌آورد تا نفوذ منطقه‌ای خود را گسترش داده و آن را به یک سرمایه‌گذاری استراتژیک تبدیل کند.

در مقابل، دولت طالبان در پی تقویت روابط خود با هند است تا از انزوای بین‌المللی خارج شود و به رسمیت شناخته شود. این امر بر اساس سیاستی است که بر اقتصاد و تعادل روابط بین‌المللی متمرکز است. آن‌ها برنامه دارند تا

دیپلمات‌هایی از هر دو طرف منصوب کرده و همکاری تجاری را تقویت کنند که شامل تسهیل صدور ویزا برای دانشجویان، بیماران و تاجران افغان می‌شود.

از سوی دیگر، هند از تحولات روابط بین‌المللی برای دستیابی به رؤیای «هند بزرگ» خود بهره می‌برد و در پی گسترش سلطه خود در منطقه است. برای رسیدن به این هدف، هند بر لزوم محدودسازی ظرفیت‌های استراتژیک کشورهای اسلامی، به‌ویژه پاکستان و تلاش برای هدایت کشورهای منطقه تحت رهبری خود، با حمایت آمریکایی، به‌منظور مقابله با نفوذ چینی اعتقاد دارد.

حمایت هند از جنبش‌های انفصالی در بلوچستان و پشتونستان، پیچیدگی روابط منطقه‌ای را افزایش داده است. پاکستان این مداخله را تهدیدی برای وحدت سرزمین‌های خود می‌داند و همچنان از مداخلات خارجی که از این جنبش‌ها حمایت می‌کنند هشدار می‌دهد. این سیاست‌ها ممکن است هند را با موانع اضافی در دستیابی به اهداف منطقه‌ای اش مواجه سازند.

اما این سیاست، به بهای مسلمانان در منطقه تمام می‌شود. هند، همانند آمریکا، ناتو، چین و روسیه، درگیر جنگی مستقیم است که هدف آن، نابودی ارزش‌های امت اسلامی است. این سیاست‌ها مستقیماً مسلمانان را هدف قرار داده، به‌ویژه در هند و کشمیر، جایی که رنج و مصائب آن‌ها به دلیل سیاست‌های سرکوبگرانه و به حاشیه راندنشان به‌طور فزاینده‌ای تشدید شده است.

وضعیت مسلمانان در هند و کشمیر، یکی از حساسترین مسائل منطقه به شمار می‌آیند. قتل‌عام‌های گسترده، تخریب مساجد، ممنوعیت حجاب، یورش به منازل و حمایت هند از رژیم صهیونیستی در جنایاتش علیه فلسطینیان، همگی نمونه‌هایی آشکار از دشمنی این کشور با اسلام و مسلمانان است. چنین سیاست‌هایی، روابط هند با امت اسلامی را به یک مواجهه مستقیم تبدیل کرده است و از منظر شریعت اسلامی، چنین تقابلی تنها با جهاد و برپایی خلافت پاسخ داده می‌شود.

در این شرایط، هند باید به‌عنوان یک دشمن محارب تلقی شود، نه یک شریک تجاری یا متحد! اما حاکمان مسلمان، به‌ویژه در افغانستان، زمانی می‌توانند چنین موضعی اتخاذ کنند که به اصل ولاء و براء پایبند باشند و آن را زیربنای سیاست خارجی خود قرار دهند.

تا زمانی‌که سیاست خارجی دولت طالبان بر اساس عملگرایی و تمرکز بر اقتصاد، تحت شعار توازن و بی‌طرفی در روابط بین‌الملل باشد، نه‌تنها از معیارهای یک دولت اسلامی فاصله خواهد داشت، بلکه حتی جایگاه خود را در میان کشورهای ملی‌گرای غیرمشروع نیز از دست خواهد داد. سیاست خارجی یک دولت اسلامی، باید بر پایه گسترش اسلام در سطح جهانی از طریق دعوت و جهاد باشد تا هدایت و سعادت را برای بشریت، هم در دنیا و هم در آخرت، به ارمغان آورد.

برگرفته از شماره 534 جریده الرایه

نویسنده: استاد یوسف ارسلان